

مسجد پامنار سبزوار



محمود عنبرانی
بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد

مردم سبزوار چون دیگر ایرانیان از نژاد آریایی و از اقوام کهن این مرز و بومند که چون دیگر بخشهای ایران - بویژه بخشهای آباد و نزدیک به مرزها - مورد تاخت و تاز گروههای بیگانه قرار گرفت و بتدریج با نژادها و قومهای ترک و تاتار و مغول و ازبک درهم شد.

چنانکه در بستان السیاحة آمده است: «... سبزوار در هنگام جلوس شاه عباس مورد یورش عبدالمؤمن خان ازبک قرار گرفت و او اهالی این شهر را قتل عام کرد». . . و حمزة بن آذرک خارجی در سال ۲۱۳ با سپاه بسیار به سبزوار یورش آورد و به سبب مقاومت سبزواریان، «هفت شبانه روز سی هزار نفر مرد و پسرینه را کشتند» [ابن فندق، تاریخ بیهق، ۴۴].

ناگفته پیداست که با این اتفاقها، چه بر سر ساکنان می آید و درهم شدن نژاد چگونه صورت می پذیرد.

مردم سبزوار مسلمان و شیعه دوازده امامی و بسیار متعصبند. چنانکه از این جهت ضرب المثل بوده و این شهر را دارالمؤمنین نام نهاده اند. به طوری که از یادداشتهای علامه دهخدا برمی آید، مردم سبزوار از دیرباز به تشیع معروف به محبت اهل بیت مشعون

سبزوار یکی از شهرهای باختری استان خراسان است. بنا به روایت جغرافیای تاریخی خراسان از نظر جهانگردان بنای سبزوار را در حدود سال ۳۰۰ میلادی نوشته اند. [طاهری، جغرافیای تاریخی، ۱۵۹]. «تاریخ بنای این شهر را در روزگار پادشاهان کیانی (کیانیان) دانسته اند» [کیهان، جغرافیای مفصل، ۱۹۴]. گسترش و آبادانی سبزوار در آن اوان بسیار بود؛ چنانکه در سده ششم هجری قمری آبادیهای تابع این شهر را ۳۹۵ یاد کرده اند [بیهقی، ابن فندق، ۴۹].

این شهرستان دیرپای در ۱۳ درجه و ۱۲ دقیقه عرض شمالی و ۵۷ درجه و ۲۳ دقیقه طول خاوری قرار دارد و از شمال به اسفراین، از خاور به نیشابور، از جنوب به کاشمر و از باختر به شاهرود محدود است. جاده تهران مشهد از میان این شهر می گذرد.

سبزوار دارای آب و هوایی خشک و بخشی جنوبی این شهر جزء اقلیم نیمه بیابانی است. [ر. ک: مولوی، آثار باستانی، ج ۱]. فاصله سبزوار تا مشهد ۲۲۶ کیلومتر و تا تهران ۶۶۶ کیلومتر راه است و بلندگوهای گلدسته های مسجدهای سبزوار پیش از هر نماز دقایقی زودتر از تهران به صدا در می آیند و مردم را به نماز فرامی خوانند.

ما چو بوبکریم در آن خوار و زار
با اشاره به این حال و هوا پیدا است که این شهر می تواند چون دیگر شهرهای قدیم ایران که پیشتر آتشیگانهایی چون «آذر برزین مهر» داشته، پس از ورود اسلام، کمترین مدرسه های علمیه و نیایشگاه را در خود داشته باشد و «مسجد آدینه» از آن نمونه است.

از سویی این سرزمین دانشورانی را پرورده و از روزگاران کهن مهد تمدن بوده و هست. «بییق [سبزوار] را در ایام گذشته، تهامه صغری خوانده اند، از کثرت فضلا و ادبا که این جا بوده اند» ابن فندق، تاریخ بییق، ۲۷۶؛ ر. ک: بییقی، نامه آستان قدس؛ بییقی، سبزوار شهر دانشوران بیدار؛ همو، سبزوار شهر دیدنیهای پایدار.

مسجد آدینه

ساختمان کهن و ساده مسجد آدینه در کنار خیابان بییق کنونی، گویای کارهای فردی و گروهی استادان، هنرمندان و آدمیان عاشقی است که روزگار پدید آوردن این اثر تاریخی را آشکار می سازد، که بنایی با مشخصات موجود، چگونه سالیان دراز بر پایه ها و دیوارهای خشتی و گلی تکیه دارد، دگرگونیهای جوی و رویدادهای طبیعی را تحمل کرده و کماکان استوار و سرافراز ایستاده است. داستان چگونگی و اگذاری زمین مسجد، پوشش ساختمان آن و برقراری نمازهای جمعه و جماعات، خود گویای اندیشه ها و عقیده های درونی جامعه آن روزگار و روشنگر برپایی آثار تمدنی است. مسجد آدینه با چنان عظمت و در عین حال زیبایی، اثری است غیر مکتوب که تاخت و تاز اشرا و بی دینان و دست اندازانی به این مکان مقدس را به خاطر دارد و ویرانیها و مرمتها را و همه مراسم نمازهای عید، جمعه و جماعات را شاهد بوده و هست؛ اما پا بر جای تابلو و دورنمایی است از همه جوانب تاریخی - مذهبی مردمان این سرزمین.

این مسجد، نخست به نام «مسجد آدینه» و بعدها به مسجد جامع و سپس به «مسجد پامنار» معروف شد؛ چرا که مناره ای بنام داشت و هم اکنون نیز به همین عنوان نامیده می شود.

داستان برپایی نخستین بنای مسجد

مسجد آدینه سبزوار (مسجد پیشین)، در روزگار حمزه بن آذرک و با یورش بی رحمانه او ویران شد و مدتی سبزوار مسجد نداشت. ناچار مردم برای ادای فریضه به مسجد خسروگرد می رفتند؛ تا این که مسجدی دیگر ساختند که تاکنون برجاست. خسروگرد در شش کیلومتری بخش باختری سبزوار واقع است و روزگاری از سبزوار بزرگتر بود و مسجدی عالی داشت.

مناره مسجد خسروگرد هنوز برجا و دیدنی است و خود بحثی مستقل را می طلبد. کلنل بیت احتمال داده است که «در گذشته این منار به مسجدی تعلق داشته است» [بیت، خراسان و سیستان، ۱۳۷۵]. سرگذشت گسترده این مسجد در آثار کهن ثبت است، از آن شمار: در تاریخ بییق آمده است:

«مسجد آدینه قصبه سبزوار در روزگار حمزه بن آذرک خارجی خراب گشته بود و مردم نماز جمعه و اعیاد به خسروگرد رفتندی و زنی بوده به زاد برآمده و مالدار در قصبه. روزی اهل خسروگرد را با اهل قصبه نزاعی افتاد و و گفتند ما را امروز عید نیست و در رؤیت هلال اختلافی افتاده بود.

مشایخ رقم برزدند و گفتند باغ این مستوره متموله، این کار را شاید. برخاستند و به در سرای او رفتند. صریر دوک او شنیدند. گفتند از وی حسابی بر نتوان گرفت. پس عرض حال دادند. آن پیرزن - رحما الله - گفت: چندان که مسجد را می باید، خط بر باید کشید تا من بر و قفنامه گواه گیرم. و درخت بسیار است در این باغ، ببايد برید و سقف مسجد را از آن ترتیب باید کرد. و مزد اجرا و عمله چندان که باید من می دهم.

مردمان گفتند: شکرالله سعیک. سخاوت را مشرب دیانت توست. جود تو از جودمعن معنی گرفته است؛ اما با چنین همت و دیانت فاتحه مصحف جوانی خواندن، و جامه نشاط حب دنیا دوختن و از آخر نامه با عنوان آمدن و با چندین همت و مروت، این دوک رشتن چیست؟

گفت: حدیثی از مصطفی - صلوات الله علیه - به من رسیده است و آن حدیث در ابتدای این کتاب از مهلب بن ابی صغره روایت کرده شد. بدان حدیث تبرک، واجب دانسته ام و دیگر که معین بود بر نشستن الاغزل.

گفتند: تو زن خلیفه هستی، دوک می ریزی؟

گفت: از پدرم شنیدم می گفت: رسول خدا (ص) به زنان خویش می فرمود: «اطولکن طاقة اعظمکن اجرا یوم القیامة و هو یطرد الشیطان و یذهب به حدیث النفس».

پس این مسجد بنا کردند در تاریخی که خلیفه، المعتمد بالله^۲ بود و پادشاه خراسان امیراحمد بن عبدالله الخجستانی. و آن منبر



فزون بر مسجد آدینه که مسجد جامع سبزوار بوده، مسجدی دیگر در راسته خیابان بیهق نزدیک بازار کنونی - روبروی امامزاده یحیی - ساخته شده و کلنل بیت آن را دیده و شرحی کوتاه در سفرنامه خود دارد: «... در حال حاضر این شهر ... دو مسجد دارد. گفته می شود که مسجد جامع که یکی از دو مسجد شهر است در زمان حکومت سربداران ساخته شده است و تاریخ بنای آن معلوم نیست» [کلنل بیت، سفرنامه، ۳۷۴]. «دیوارهای شهر به دستور الیهار خان قلیچی در زمانی که حکومت این شهر را به دست داشته است مرمت و بازسازی گردید و هنوز در وضعیت خوبی قرار دارد». [امین الشریعه، «منارجنبان سبزوار»، مجله وحید، ش ۱۲]. یکی از دو مسجد اشاره شده در نوشته کلنل بیت که نوساز بوده، همان مسجد جامع کنونی است.



مشخصات مسجد پامنار

چنان که یاد شد عمر مسجد ۱۱۵۷ سال است، یعنی در سال ۲۶۶ ه. ق، همزمان با پادشاهی محمد بن طاهر، آخرین پادشاه طاهریان، و روزگار المعتمد خلیفه عباسی برپا شد، که مقارن با ده سالگی امام زمان (عج) و پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) است.

کل مساحت مسجد ۹۳۴ مترمربع است و ساختمان آن با خشت و گل بنا گردیده، درون مسجد گچکاری ساده و بدون

که نام احمد خجستانی بروی نوشته بود، به تاریخ سنه ست و ستین و مائین (۲۶۶ ه. ق) من دیدم. تا بدین عهد منبری بود سیاه، از چوب آبنوس و بازوها از چوب جوز سیاه کرده و آنگاه عمید عبدالرحمن بن اسماعیل بن حسین الدهان آن منبر برگرفت و این منبر که امروز نهاده اند، بنهاد، فی سنه شهور سنه خمس و خمسمائه. از نوشته علی بن زید بیهقی برمی آید که این مسجد در روزگار احمد خجستانی تعمیر شده است. ناگفته پیداست که امروزه نگهداری بناهایی چون مسجد پامنار برعهده ماست. چرا که هر کدام تاریخی را در خود دارد و گویای گوشه ای از هویت مردم و میراث گرانسنگ فرهنگی ماست؛ چنانکه از دیرباز تاکنون مردان خدا - و برخی مردان سیاست - کمر همت بسته و این بنا و همانند آن را نگه داشته اند.

اشاره ای به تعمیرها

در سال ۳۱۷ ه. ق، امیر ابوالفضل زیادی مسجد را بازسازی کرد.

در سال ۴۱۵ ه. ق، امیر ابواسحاق ابراهیم بن محمد بلطوار در ولایت خویش خوابی دید به این مضمون که باید پولی به نیشابور و بیهق بفرستی تا برای آبادانی مسجد آدینه سبزوار و مسجد خسروگرد هزینه شود. او مال بسیاری فرستاد.

در سال ۴۲۰ ه. ق، در پی زمین لرزه ای، در بنای مسجد و تنها مناره آن ویرانهایی به بار آمد. در هنگام تعمیر مناره گفته اند که سازنده مناره که مردی با تجربه و هنرمند بود بعد کُند کار می کرد، بی آن که سبب را بر زبان آورد. به همین دلیل همواره توصیه می شد که زود کار را به پایان برد. ناچار کار را به نیمه رها کرد و از شهر گریخت تا او را نیابند، چون می دانست دیگری کارش را پی نمی گیرد. پس از یک سال بازگشت و مناره را کامل کرد. سبب ترک کار را از او پرسیدند، اظهار داشت: «سبب گریختن آن بود تا در اتمام آن تعجیل نفرمایند تا این [ساختمان مناره] در مدت یک سال بنشینند [ساختمان پیش از تکمیل نشست کند] و تمام شود و خلل نیارد» [ابن فندق، تاریخ بیهق، ۱۵۰].

«... و نوبتی دیگر امیر ابوالفضل زیادی این مسجد جامع را تجدید عمارت به ارزانی داشت، فی شهور سنه سبع عشره و ثلاث مائه ... و بنای مناره ... و باقی، خواجه ابو نعیم از مال خویش تمام کرد... آن گاه به زلزله ... بار دیگر بیوفتاد».

در سال ۴۴۴ ه. ق مناره بازسازی شده است. بنابراین دوباره سازی مسجد به وسیله زیادی انجام شده است و در سده ششم، یعنی روزگار بیهقی، بخشی از مسجد کهن بر جای بوده است. چنانکه هم اینک پس از مرمت های ظاهری و سنگ کاری ازاره پایه ها و دیوارها از درون هنوز پابرجاست و مسجد آدینه (پامنار) حدود یک هزار و یکصد و پنجاه (۱۱۵۰) سال را پشت سر گذاشته است.

«... فرزند ارشد میرسید جعفر نظام العلمای سبزواری نیز مسجد آدینه را مرمت کرده است و ضمن تعمیر، کتابخانه ای برای مسجد در نظر گرفت و دری به کوچه پامنار باز کرد تا کتابخانه در دسترس همگان قرار گیرد» [امین الشریعه، «منارجنبان سبزوار»، مجله وحید، ش ۱۲].

مؤذن یا مأذنه) کتیبه‌ای است آجری که پس از «بسم الله» نام مبارک پنج تن (الله، محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین) در آن نوشته شده است.

در سفرنامه خانیکف، خاورشناس نامی آمده است: «... در کتیبه‌ای که در گذشته زینتبخش بالای مناره [مسجد پامنار] بوده است، به ظاهر به خط کوفی نوشته شده بود. اما به حدی آسیب دیده است که نمی‌توان حروف آن را درست تشخیص داد» [خانیکف، سفرنامه، ۱۰۰]. وجود چنین نوشته‌ای کهن پیامی است از قدمت مناره و هنر نمایی هنرمندان عاشق که بر آن نقش کرده‌اند. دیوار کهن مسجد، نخست سنگ چین بوده است (یعنی سنگ کاری با سنگ لاشه).

«مسجد پامنار از آثار باستانی ایران، متعلق به سده سوم هجری، با مناره و مأذنه‌ای قدیمی که گویند همچون مناره چند شهر دیگر، جنبان است» [امین الشریعه، «منارجنبان سبزوار»، مجله وحید، ش ۱۲].

بلندی مناره جنبان این مسجد ۱۵/۵ متر و آجری است و در بخشی از آن آجر نوشته‌ای به خط کوفی، تاریخ ۵۰۵ ه. ق را بر خود دارد، که نشانی از مرمت و بازسازی آن است. صنایع الدوله بلندی مناره را ۲۳ متر نوشته است که احتمالاً در هنگام زمین لرزه‌ها فرو ریخته است [صنایع الدوله، مطلع الشمس، ج ۱۳]. زمین لرزه‌های پیاپی ویرانی‌هایی بر جای گذاشت که همواره مرمت شده

نقش و نگار است. بیرون مسجد آجر نما شده است. سقف شبستان نه تاق ضربی دارد، و سیزده پایه و یک نیم پایه، سنگینی سقف ضربی را بر دوش دارند که به صورت چهار پایه خاوری - باختری و سه پایه شمالی - جنوبی مرتب، صف کشیده‌اند. پایه‌ها استوار به مقطع مربعی و اندازه‌های: ۱۷۵ در ۱۷۵ سانتی متر تاق ضربیها را نگاه داشته‌اند. ازاره سنگی توسی رنگ به بلندی حدود یک متر را نواری به پهنای حدود ۳۰ سانتی متر سنگ سیاه، از گچکاری پایه‌ها و دیوارها جدا می‌کند. کف مسجد و پلکان منبر با قالی فرش شده است. مسجد پامنار محراب ندارد.

خیابان بیبق در گذشته‌های دور، بازار سبزوار بوده و در کنونی مسجد که شمالی و چند پلکان از کف پیاده رو خیابان بلندتر است، به بازار باز می‌شده و بازاریان از این در، آمد و شد می‌کرده‌اند. در ضمن از شبستان دری کوچک به کوچه خاوری داشته که ساکنان محل برای استفاده از مسجد از آن برخوردار بوده‌اند، و اینک بر جای است. از صحن مسجد نیز دری به کوچه باز است.

وضوگاه مسجد در قدیم، جویی آب روان (قناتی) بوده است که از گوشه شبستان جنوب باختری از صحن مسجد می‌گذشته است. ولی اکنون در دیوار باختری - نزدیک همان جایگاه سابق - وضوگاههایی با بهره‌وری از آب لوله کشی شهر ساخته‌اند که نمازگزاران از آنها بهره‌مندند و دری کوچک نیز به خیابان دارد.

منار جنبان سبزوار

گلدسته مسجد پامنار در بخش شمال باختری، کنار پیاده‌رو خیابان بیبق، از دیرگاه، آرام و صبور قد برافراشته است. مأذنه، نرده‌های گرداگرد و پوشش سقف کلاهدک گلدسته به رنگ سبز رنگ آمیزی شده است.

شایعه به حقیقت پیوسته جنیدن مناره این مسجد نخستین بار به وسیله خبرنگار روزنامه کیهان در سبزوار بر سر زبانها افتاد و جالب این که کارشناسان جنیدن مناره را تأیید کردند. در این زمینه سه قطعه شعر نیز به ترتیب ذیل سروده شد. کا: مجله وحید، ش ۱۲.

ابراهیم صهبا به مطلع :

به شهرهای دگر فخر اصفهان این است

که در زمین صفاهان منار می جنبد

سیمین بهبانی به مطلع :

صهبا شنیدم آن سخن آبدار تو

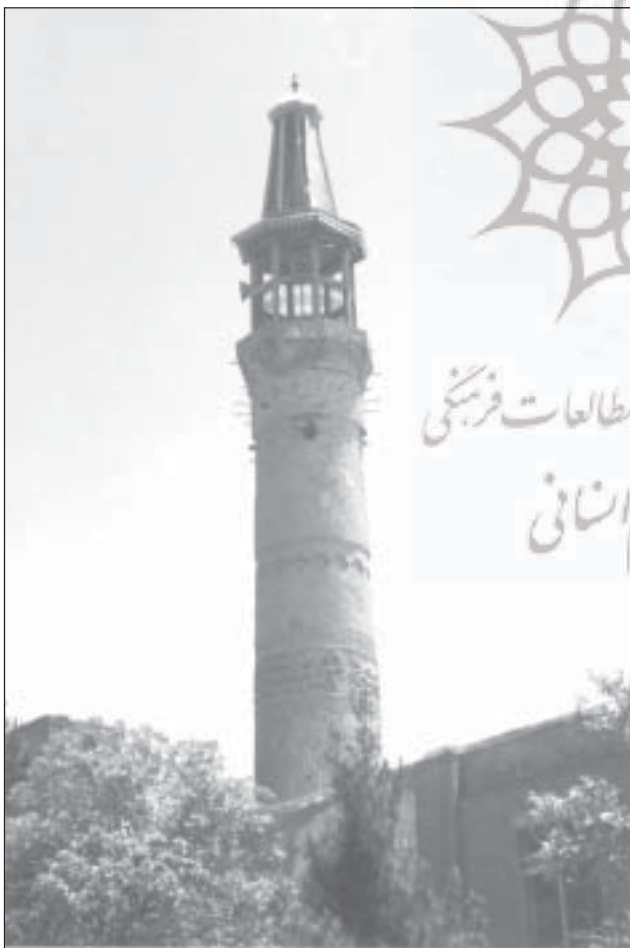
آن حسرت نهان و غم آشکار تو

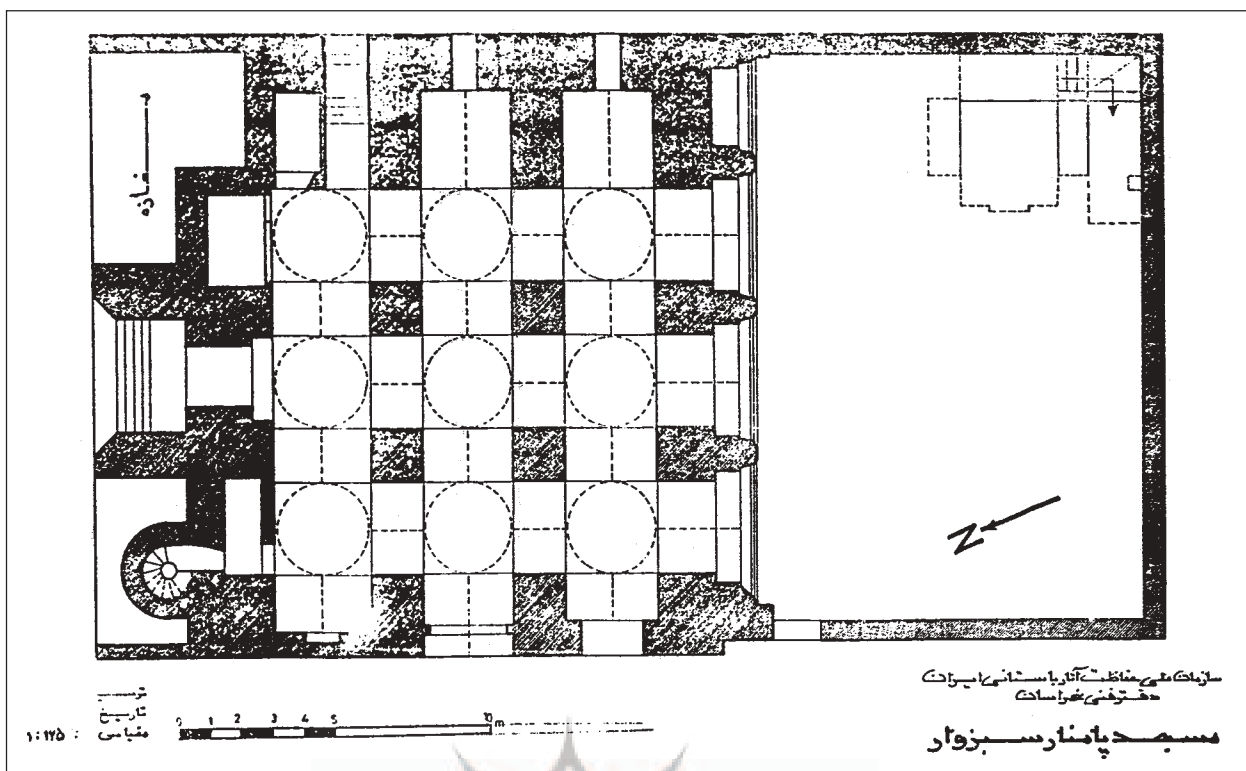
شعر سید حسن امین به مطلع :

ای آمده خزان و شده نوبهار تو

دیگر مزاح و طنز نیاید به کار تو

در زیر تاج یا کلاهدک گلدسته (جایگاه اذان گوی، اتاقل





آن نقش بسته است. به نظر می‌رسد نامبردگان دست در مرمت بخشهایی از مسجد داشته‌اند. اصولاً مردم همواره در نگهداری مسجد همت می‌گمارند و هر چند که گاه تعمیر یا دید علمی و فنی یک ساختمان کهن، چندان همسو نیست و هنجار به نظر نمی‌رسد، اما مرمتها بهنگام صورت می‌پذیرد؛ مبادا که این بنای تاریخی و ارزشمند فرو ریزد.

پی نوشتها:

۱. دختر مهلب، زن عبدالملک مروان، به دوک رشتن مشغول بوده است.
۲. المعتمد بالله (۲۲۹ تا ۲۷۹ ه. ق) در سال ۲۵۶ ه. ق به حکومت رسید و ۲۳ سال خلافت کرد.

منابع:

۱. امین الشریعه، سید حسن، «منارجنبان سبزوار»، مجله وحید، ش ۱۲، ۱۳۵۳
۲. بیهقی (ابن فندق)، علی بن زید، تاریخ بیهقی، تصحیح احمد بهمنیار
۳. بیهقی، حسینعلی، نامه آستان قدس، ش اول، دوره دهم
۴. بیهقی، محمود، سبزوار شهر دانشوران بیدار، مشهد
۵. همو، سبزوار شهر دیدنیهای پایدار، مشهد
۶. خانیکف، سفرنامه
۷. سعیدیان، دایرة المعارف شرق، چاپ ۷، تهران، ۱۳۶۲
۸. صنیع الدوله، مطلع الشمس، نشر تاریخ فرهنگ ایران زمین، چاپ اول، ۱۳۶۳
۹. طاهری، ابوالقاسم، جغرافیای تاریخی خراسان از نظر جهانگردان
۱۰. کلنل بیت، خراسان و سیستان، برگردان قدرت الله روشنی و مهرداد رهبری، انتشارات یزدان، ۱۳۶۵
۱۱. کیهان، مسعود، جغرافیای مفصل ایران، چاپ مجلس، ۱۳۱۱
۱۲. مولوی، عبدالحمید، آثار باستانی خراسان، تهران، انجمن آثار ملی، چاپ بهمن، ۱۳۵۴

است. در سال ۱۳۶۸ و سپس سال ۱۳۷۳ ه. ق آخرین زمین لرزه خسارتهایی به بار آورد که مردم در تعمیر آن کوشیدند. چنانکه یاد شد اصل بنا خشتی و گلی است: «مسجد پیامنار بنایی از خشت و آجر و دارای سیزده پایه بوده و بنای اصلی آن از روزگار صفویان است» [سعیدیان، دایرة المعارف شرق].

سردر مسجد در قاب آجرکاری، کاشیکاری شده است. هر چند که در روزگار شاهان صفوی مسجد بازسازی شده، اما کاشیهای سردر، نو است. در کتیبه ای در پخ سردر، آیه شریفه: «ان المساجد لله...» و آیه‌هایی دیگر و در پایان آیه‌ها عنوانهای: «کربلایی میرزا حسن رضوانی»، کاشی پز «حاج یوسف قدس» با خط سفید در زمینه کاشی لاجوردی آمده است. بر روی پایه سردر ورودی مسجد، سوره مبارکه جمعه به نگارش درآمده و در پایان آن عبارت: «به سعی حجة الاسلام حاج میرزا عبدالله برهان خاتمه یافت، کتبه جواهر قلم» نوشته شده که مربوط به روزگار معاصر است. در دو سوی در، نواری با زمینه لاجوردی و خط سفید در آجرنمای سردر ورودی خود می‌نماید و سوره شریف «هل اتی» در آن نقش بسته و به همت صولتی اجرا شده است. در پایان سوره، عبارت: «از کلب پس تر [شاید پست تر] در خانه خدا حاجی محمد اسماعیل صولتی ۱۳۷۲» نگاشته شده است که فروتنی و کرنش او در برابر درگاه با عظمت الهی را می‌رساند.

دیگر از نشانه‌های برجسته برجای مانده، کتیبه کاشی سقف غرفه میانی شبستان است که به خط ثلث به نگارش درآمده و عبارت گزارشگونه: «انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الآخر. تذکار من احقر الطلاب سید عبدالعلی ولد عالم عامل سعای بیت الله حاج سید علی رضا و مرحوم... میرزا عبدالعلی و فقیه کامل آقا میرزا حسین و فقیه اورع آقا میرزا عبدالرحیم.» در